

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره پانزدهم ، شماره پنجاه و هفتم ، پاییز ۱۴۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

صفحات: ۸۶-۱۱۲

نگاهی به جرائم علیه اموال مالکیت در رویکرد فقهی حقوقی و بین المللی

با تاکید بر جرم سرقت

نویسندگان:

سیدمحمدرضا موسوی فرد^{۱*}، فرخ هدائی^۲، سیدعلی اکبر سیادت^۳، محمدمامین ابوالخیریان^۴

چکیده

سرقت از با سابقه ترین جرایم بشری است که در جوامع مختلف به شیوه های گوناگون دیده می-شود. اما تنها چیزی که از بدو پیدایی و شکل گیری آن تاکنون ثابت مانده زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است. با گذشت زمان شیوه های سرقت نوع اموال و اشیاء مسروقه و وسایل و ابزار مورد استفاده برای ارتکاب سرقت تغییر یافته بطوری که امروزه برخی از سارقان از آخرین تکنولوژی ها و تکنیک ها برای پیشبرد کار خود استفاده می کنند. به همین دلیل روش های مقابله و برخورد با آن ها نیز متحول شده است. همین یکی از ضرورت های همین رویکردی تحقیقاتی است. در این جستار با رویکردی توصیفی تحلیلی در عین حال صرفا مروری تطبیقی با بهره گیری از روش اسنادی و کتابخانه ای می خواهیم بدانیم؛ برخی از تفاوت های جرم سرقت از منظر ایدئولوژیک دینی و نظام های غیر ایدئولوژیک در حقوق تطبیقی چگونه قابل بحث و بررسی است؟ به نظر می رسد در کلیت تفاوتی وجود ندارد صرفا تفاوت ها در انواع سرقت مستتر است.

کلید واژه ها : سرقت ، فقه ، حقوق ، نظام بین المللی ، قانون

پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، سمنان- mousavifard136394@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی ، اندیمشک - hodaie-jaza@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی ، سمنان- saas7932@hotmail.com

۴: کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی ، سمنان- m.a.abolkheirian@gmail.com

۱. مقدمه

جرم سرقت از جرایم با سابقه طولانی در تمام جوامع می باشد، این جرم به عواملی اشاره دارد که در ارتکاب این جرایم دخیل هستند. این عوامل می توانند عوامل فردی یا شرایط اجتماعی و فرهنگی باشند که به وقوع این جرایم منجر می شوند. برخی از عوامل اصلی دزدی و سرقت می توان به مواردی همچون فقر و نیاز اقتصادی، بی کفایتی اجتماعی، اعتیاد، بی توجهی به اخلاق و ارزش های اجتماعی، فرصت های مناسب برای ارتکاب جرم اشاره کرد. سرقت به عنوان یک جرم، عملی است که شامل ربودن یا برابیدن مال یا مالکیت دیگران به طور غیرقانونی است. این عمل ممکن است شامل دزدی از محل های مسکونی، فروشگاه ها، وسایل نقلیه، یا حتی سرقت هویت افراد باشد. اصطلاحاً، سرقت شامل هرگونه فعل یا عملی است که منجر به اختلاس مال یا اموال دیگران شود، به غیر از حالت هایی که ممکن است با رضایت صاحبان اموال انجام شود. در بسیاری از سیستم های حقوقی، این عمل به عنوان یک جرم محسوب می شود و با توجه به قوانین محلی، مجازات های متفاوتی برای آن تعیین می شود. در تعریف قانونی مانند قانون مجازات اسلامی، سرقت عمل ربودن مال یا مالکیت دیگران را به طور غیرقانونی تعریف می کند و برای آن مجازات های مشخصی تعیین شده است.^۱ (See: <https://dartoot.com>)

جرم سرقت از جمله جرایم مهم علیه اموال و مالکیت اشخاص است که از همان ابتدای پیدایش مفهوم آن مالکیت در میان جوامع بشری مبتلا بوده و معمولاً مجازات سختی هم برای مرتکبین آن در جوامع قبایل و ادیان مختلف علی الخصوص دین اسلام پیش بینی شده است. جرم سرقتیه لحاظ وسیله، زمان و کیفیت ارتکاب به اقسام مختلفی قابل تقسیم است، که مهم ترین و خطرناک ترین آن جرم سرقت مسلحانه می باشد، استفاده از ابزاری به نام سلاح شرط اصلی برای وقوع جرم مزبور محسوب می شود. (آسترکی، ۱۳۹۵)

در این جستار با رویکردی توصیفی تحلیلی در عین حال صرفاً مروری تطبیقی با بهره گیری از روش اسنادی و کتابخانه ای می خواهیم بدانیم؛ برخی از تفاوت های جرم سرقت از منظر ایدئولوژیک دینی و نظام های غیر ایدئولوژیک در حقوق تطبیقی چگونه قابل بحث و بررسی است؟

۱. قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۶۵، سرقت را به عنوان عملی تعریف می کند که مال متعلق به دیگری را به طور غیرقانونی ربوده و یا برهام می برد. این ماده مشخص می کند که مال متعلق به هر فرد یا شرکتی که به دیگری اختصاص داده شده است، از جمله اشخاص حقوقی، مانند شرکت ها، و اموال دولتی نیز شامل می شود. برای اثبات این جرم، سه عنصر قانونی، روانی و مادی لازم است. عنصر قانونی نشان می دهد که عملی که انجام می شود، با قوانین جاری مغایرت دارد. عنصر روانی به نیت یا اراده متهم برای انجام عمل جرمی اشاره دارد. و نهایتاً، عنصر مادی نشان دهنده انجام عمل فیزیکی یا مادی است که جرم را شکل می دهد. وقتی این سه عنصر با هم ترکیب شوند، می توان اثبات کرد که جرم سرقت رخ داده است و متهم مورد تعقیب قانونی قرار می گیرد.

به نظر می‌رسد در کلیت تفاوتی وجود ندارد صرفاً تفاوت‌ها در انواع سرقت مستتر است. ضمن اینکه اشاره می‌نماید این جستار کاملاً مروری می‌باشد فلذا در جهت رعایت اختصار از پیشینه پژوهشی صرف‌نظر گردید.

۲. مبانی نظری

نظریه مرتون پیشنهاد می‌کند که هر جامعه‌ای دارای اهداف فرهنگی مهمی است که چارچوبی از ارجاع آرمان را فراهم می‌کند. زمانی که فردی هدفی را درونی کرده باشد و ابزار مشروع دستیابی به آن هدف مسدود شود، فرد تحت فشار قرار می‌گیرد تا برای رسیدن به هدف به ابزارهای نامشروع متوسل شود. قدرت تبیین این نظریه مشروط به وجود نمادهای مشترک موفقیت در جامعه است که بین تمام طبقات اجتماعی مشترک است. در جوامعی که اهداف موفقیت از شکاف طبقاتی فراتر نمی‌روند، حتی اگر فقرا ممکن است از دسترسی مشروع به اهداف جلوگیری کنند، ممکن است این امر را اجتناب‌ناپذیر و عادی بپذیرند و آرزوهای خود را به سمت اهداف واقعی‌تر و قابل‌دستیابی هدایت کنند. نظریه کرنش مرتون نشان می‌دهد که جرم نتیجه نابسامانی اجتماعی است که نشان‌دهنده «فشار اجتماعی در یک جامعه» است.

باین حال، بررسی کامل شواهد از کشورهای مختلف مانند استرالیا و آرژانتین، ژاپن و ساردینیا به این نتیجه می‌رسد که جرائم سنتی کیفری افراد طبقه پایین‌تر را نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی شامل می‌شود. این انباشت شواهد این تفسیر را رد می‌کند که در برخی از انواع جوامع، جوامعی که فقرا سهم خود را به‌عنوان سزاوار می‌پذیرند، تفاوت طبقاتی در نرخ جرم از بین خواهد رفت. تعبیر برخی از نظریه‌پردازان این است که سیاست برابری فرصت‌ها به‌جای برابری نتایج مستلزم است. باین حال تا آنجایی که جرم و جنایت از سنجیدن نیمی از پاداش‌ها و هزینه‌های فعالیت مجرمانه ناشی می‌شود، افراد طبقه پایین‌تر نسبت پاداش به هزینه جنایت نسبت به افراد طبقه متوسط خواهند داشت (پاداش‌ها به نسبت بالاتر و هزینه‌ها بسیار کمتر است). از تفسیر «قدرت» از فعالیت مجرمانه، اگر ناتوانی به جرم کمک می‌کند، در آن صورت وضعیتی که فقرا سرنوشت خود را به‌عنوان سزاوار می‌پذیرند، اما ناتوان باقی می‌مانند، نمی‌تواند به‌عنوان وضعیتی فرض شود که لزوماً جرم آن کم است. بدون شک، چگونگی توجیه ذهنی نابرابری می‌تواند در کاهش تأثیر تغییرات در شرایط عینی اقتصادی بر جرم اهمیت داشته باشد؛ اما بیان اینکه چنین ذهنیتی می‌تواند تأثیر نیروهای عینی را به‌طور کامل نفی کند، هم از نظر تجربی و هم از لحاظ نظری، دشوار به نظر می‌رسد.

بنابراین، منطقی است که انتظار داشته باشیم حرکت به سوی برابری بیشتر با کاهش جرم همراه باشد. بیست و چهار پاورقی ارائه شده است (J. Braithwaite, 1980, p90). رابرت کینگ مرتون یک جامعه‌شناس آمریکایی بود که معتقد بود ساختار اجتماعی یک جامعه می‌تواند تا حد زیادی انحراف را تشویق کند. مرتون معتقد بود که تأکید جامعه بر برخی اهداف پذیرفته شده اجتماعی، افراد را تحت فشار قرار می‌دهد تا برای دستیابی به موفقیت مطابقت کنند. نظریه او عمدتاً به دلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی که در اوایل دهه ۱۹۰۰ در ایالات متحده رخ داد، توسعه یافت. نظریه کرنش رابرت مرتون از یک سؤال اساسی سرچشمه می‌گیرد که او در مورد اینکه چرا نرخ انحراف در جوامع مختلف تا این حد متفاوت بوده است. همین فشارها در نوع منشأ جرائم باشد.^۱ نظریه‌های مرتون در مورد ساختار اجتماعی و آنومی به دنبال توضیح این بود که چگونه ساختارهای اجتماعی خاص یک جامعه می‌تواند اعضای خاصی از جامعه را تحت فشار قرار دهد که منجر به رفتارهای ناسازگارانه یا انحرافی می‌شود. به جای انطباق اعضای که فشار گرفته شده را تجربه نمی‌کنند. او فکر می‌کرد که در جوامعی که تعریف فرهنگی موفقیت و ابزارهای مناسب برای دستیابی به اهداف مذکور ناسازگار است، ممکن است انحراف رخ دهد. او فکر می‌کرد که زمانی ممکن است انحراف وجود داشته باشد که بین نحوه تعریف جامعه موفقیت در مقابل روش مناسب دستیابی به آن تفاوت وجود داشته باشد. او دریافت که ایالات متحده نمونه بارز جامعه‌ای است که در آن افزایش سطوح انحراف به ارزش اجتماعی بالای دستیابی به موفقیت مربوط می‌شود،^۲ در درجه اول پولی، اما در آن تضادهایی نیز برای ابزار مناسب کسب چنین موفقیتی وجود دارد. راحت‌ترین رویکرد برای دستیابی به موفقیت، مشروع یا غیر مشروع، بر رویه مناسب دستیابی به اهداف ارزشمند اجتماعی ترجیح داده می‌شود که نشان می‌دهد موفقیت مهم‌تر از ابزارهای احتمالاً انحرافی برای رسیدن به موفقیت است. (Merton, 1983, p672) نظریه کرنش مرتون استدلال می‌کند که فساد نه تنها در جوامع ما رخ می‌دهد زیرا ما در جامعه خود فاقد هنجارها هستیم، بلکه ناشی از فشارهایی است که در بین ما به عنوان افراد وجود دارد که بر افراد برای ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد. در توضیح وی، مردم زمانی به دستیابی به موفقیت از راه‌های نامشروع متوسل می‌شوند که مانع از کسب

۱. زمانی که افراد نمی‌توانند عوامل اقتصادی را به شیوه‌ای مشروع برای دستیابی به موفقیت مالی خود به دست آورند، احتمال ایجاد راه‌های نامطلوب برای دستیابی به پیشرفت، مانند دزدی زیاد است. بنابراین می‌توان از نظریه کرنش مرتون برای تبیین جایگاه سرقت در جامعه استفاده کرد. نک به (Author groups, 2023)

۲. انحراف از هنجارهای اجتماعی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که قوانین نانوشته را در مورد آنچه در یک جامعه خاص قابل قبول است نقض می‌کند. این مفهوم برای تعریف ناهنجاری استفاده می‌شود، جایی که یک رفتار در صورتی غیرعادی تلقی می‌شود که با آنچه از نظر اجتماعی قابل قبول است مطابقت نداشته باشد. هنجارهای اجتماعی می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد و به بافت فرهنگی بستگی دارد بر اساس نظریه کرنش مرتون، افراد ممکن است در تعقیب ارزش‌ها و اهداف اجتماعی پذیرفته شده به انحراف روی آورند. به منبع ذیل رجوع شود: (Libretexts, 2021)

موفقیت از راه‌های مشروع شوند. اموال نامشروع ناشی از سرقت یک مسئله مهم است که پیامدهای سیاسی و اجتماعی دارد. سرقت اموال گذشته می‌تواند منجر به درک غیرمشروعیت در توزیع املاک فعلی شود که می‌تواند منجر به نافرمانی و بی‌ثباتی مرتبط با مالکیت شود. (Bernadette, 2010, p85) یکی از رویکردهایی که برای به دست آوردن درآمدهای نامشروع ملاک نظر می‌باشد که در نظریه می‌توان برای آن جایگاهی قائل شویم جرم سرقت است.

۳. مفهوم سرقت

سرقت جرم گرفتن یا تلاش برای گرفتن هر چیزی با ارزش با زور، تهدید به زور یا استفاده از ترس است. طبق قوانین عرفی، سرقت عبارت است از بردن مال دیگری به قصد محرومیت دائمی از آن مال به وسیله زور یا ترس؛ یعنی سرقت یا سرقتی است که با حمله انجام می‌شود. تعاریف دقیق جرم ممکن است در حوزه‌های قضایی متفاوت باشد. سرقت به دلیل ماهیت ذاتاً خشن (جرم خشن) از سایر اشکال سرقت (مانند سرقت، سرقت از مغازه، جیب‌بری یا سرقت خودرو) متمایز می‌شود. در حالی که بسیاری از انواع کمتر سرقت به‌عنوان جنحه مجازات می‌شوند، سرقت همیشه در حوزه‌های قضایی که بین این دو تمایز قائل می‌شود جرم است. طبق قوانین انگلیس، بیشتر انواع سرقت در هر دو صورت قابل محاکمه هستند، در حالی که سرقت فقط بر اساس کیفرخواست قابل محاکمه است. کلمه "rob" از طریق فرانسوی از کلمات لاتین متأخر (به‌عنوان مثال، *deraubare*) با منشأ ژرمنی، از آلمانی رایج *raub* «سرقت» آمده است. سرقت در حقوق کیفری نوعی سرقت تشدیدکننده است که شامل خشونت یا تهدید به خشونت علیه قربانی در حضور او می‌شود. آمار سرقت را یکی از دقیق‌ترین معیارهای میزان کلی جرم می‌دانند. (The Editors of Encyclopaedia Britannica, 2023) سرقت ممکن است به‌عنوان برداشت غیرقانونی و اجباری اموال قربانی از شخص قربانی تعریف شود. سرقت از سایر تصرفات غیرقانونی اموال مانند سرقت و سرقت مشدد متمایز می‌شود، زیرا (۱) اموال ضبط‌شده مستقیماً از شخص قربانی گرفته شده است (مانند سرقت) و (۲) استفاده یا تهدید در آن وجود دارد. از زور بنابراین سرقت اموالی که برای مثال زمانی که قربانی در خواب است، رخ می‌دهد، به این دلیل که هیچ زور یا تهدیدی استفاده نشده است، سرقت به حساب نمی‌آید. به همین ترتیب، وقتی جیب‌بری کیف پول قربانی را در بیمارستان یا در هر مکان دیگری بلند می‌کند، جرم ارتكابی سرقت است، اما سرقت نیست. اگر در حین جنایت اسلحه مرگبار به اهتزاز درآید یا قربانی در حین تصرف غیرقانونی اموال قربانی آسیب جدی ببیند، ممکن است اتهام سرقت از ساده به سرقت (مشدد) ارتقاء یابد (Scott, 2009). اگر شخصی سرقت کند و بلافاصله قبل یا در هر زمان سرقت کند و برای این کار از زور استفاده کند یا بخواهد کسی را در ترس از اینکه

در آن زمان و آنجا مورد زور قرار بگیرد، مجرم سرقت است. نوع جرم سرقت، سرقت است که با خشونت تشدید می‌شود. (West Yorkshire Police, 2020)

اما هر تعریف شامل همان عناصر اساسی سرقت خواهد بود. سرقت شامل موارد زیر است:

- گرفتن به قصد سرقت (در برخی از ایالت‌ها، جرم سرقت صرف‌نظر از اینکه سارق مال گرفته باشد یا خیر اتفاق افتاده است)؛
- گرفتن اموال شخصی دیگران؛
- گرفتن اموال برخلاف میل آن‌ها؛
- با خشونت یا تهدید به زور فیزیکی علیه یک فرد (برخی قوانین نیاز به تهدید قریب‌الوقوع دارند).

عناصر زور در هسته اصلی جرم سرقت قرار دارد. زمان نیرو نیز مهم است. به‌عنوان مثال، اگر یک سارق فقط هنگام فرار از صحنه خشونت استفاده کند، این اتهامات شامل سرقت و شاید حمله می‌شود، اما نه لزوماً سرقت. استفاده یا تهدید به زور می‌تواند اندک باشد. در مفهوم لغوی و عرفی آمده است: (س ق) (مص م). سرقت، سرقت کردن، پس سرقت در لغت به معنی سرقت کردن و سرقت آمده است.^۱ سرقت ربودن مال و اشیاء منقول و غیرمنقول بدون رضای او برخلاف حق. در اصطلاح دیگر آن را سرقت ساده و سرقت عادی گویند. تقلب و اختفا از ربودن دانسته می‌شود. مفهوم عرفی سرقت این دو امر را اقتضا می‌کند. سرقت از جمله جرائمی است که سابقه دیرینه در زندگی انسان دارد و می‌توان گفت پیشینه آن از هنگام شروع زندگی جمعی و تحقق مفهوم مالکیت بوده و همواره مورد تقبیح و مجازات بوده است. از دیرباز که کاروان زندگی بشر در مسیر نظم و قانون قرار گرفته، سرقت در زمره رفتار ناپسند و ممنوع قرار داشته است. جرم سرقت و سرقت از جمله قدیمی‌ترین جرم‌هایی است که بشر علیه اموال و مالکیت افراد به آن مرتکب می‌شد و از لحاظ امنیتی نیز قابل بررسی می‌باشد.^۲

^۱ نک. به: فرهنگ محمد معین ذیل «واژه سرقت»

^۲ جرائم علیه اموال و اموال افراد طیف گسترده‌ای از جرائم، از جمله سرقت، تقلب و جرائم سایبری را شامل می‌شود. این جرائم تهدیدی برای حقوق مالکیت افراد محسوب می‌شود و می‌تواند منجر به زیان مالی قابل توجهی شود. تلاش برای پیشگیری و رسیدگی به این جرائم نیازمند یک رویکرد جامع شامل اقدامات قانونی، مداخله‌ها و بهینه سازی قوانین کیفری است. توصیه می‌شود جهت مطالعه بیشتر در این خصوص به منابع ذیل رجوع شود: (Miller&202)&(Ivančiks et al,2019,p569)&(Straalen,2022,p283)&(Lavender,2022,p1)

امروزه نیز دعای سرقت جزو پرتکرارترین شکایات مطروحه در دادگاه‌ها و مراجع قضایی می‌باشند. مالکیت قانونی افراد بر اموالشان، همواره در خطر دست برد قرار دارد. واژه سرقت در کتاب‌های لغت به معنای گرفتن شیء در پنهان است و در معنای آن مفهوم خفا و پنهان اخذ شده است. از این رو به‌طور کلی یکی از معانی آن پوشیده و مخفی شدن است و «سرق» به معنای «خفی» آمده است.^۱ استراق سمع یعنی مخفیانه گوش دادن. در قرآن کریم نیز چنین آمده است: «الا من استرق السمع فا تبعه شهاب مبین».^۲ این منظور در تعریف سارق چنین می‌گوید: السارق عندالعرب من جاء مستترا الی حرز فاخذ منه ما لیس له. سارق نزد عرب، کسی است که به طور پنهانی به سوی حرز می‌آید و چیزی را که از خودش نیست بر می‌دارد. با توجه به مطالب فوق به دست می‌آید که سرقت از دیدگاه اهل لغت، دارای سه رکن و یا به عبارتی چهار رکن است:

- برداشتن شیء؛
- از آن دیگری بودن؛
- پنهانی بودن؛

منقول بودن، این رکن ملازم با مفهوم برداشتن است زیرا شیء غیرمنقول قابل برداشتن نیست، لذا ذکر مستقل آن ضرورتی ندارد.

منطقاً چنانچه یکی از ارکان یاد شده مفقود شود، مفهوم سرقت تحقق پیدا نمی‌کند. لذا اگر مال منقول نباشد و یا اگر منقول بود، برداشتن آن پنهانی نباشد و یا اگر پنهانی بود، از دیگری نباشد، عمل انجام‌شده سرقت نخواهد بود. همان‌گونه که ملاحظه گردید در مفهوم لغوی سرقت قیودی اخذ شده است، از جمله پنهانی بودن و گفته شد چنانچه یکی از قیود آن مثلاً پنهانی بودن مفقود شود، عنوان سرقت به آن منطبق نخواهد شد و تحت عنوان دیگری از آن نام‌برده می‌شود که در کتاب‌های لغت و نوشته‌های فقهی به آن اشاره شده است (مثلاً سرقت مال دیگری به سرعت و آشکار است). (نجفی جواهری، ج ۴، ص ۵۹۷) در اینجا نیز اشاره می‌شود:

۱. تعریف سرقت در قانون مجازات اسلامی عبارت است از ربودن پنهانی مال متعلق به غیر. تحقق جرم سرقت مستلزم انجام فعلی از قبیل ربودن، کش رفتن، برداشتن، بلند کردن، گرفتن و قاپیدن مال دیگری بدون رضایت و اطلاع مالک یا متصرف آن است و البته پنهانی بودن عمل و قصد انجام عمل مجرمانه و علم به مالکیت فرد دیگر و وجود سوءنیت و تکمیل پروسه ربایش در وقوع جرم سرقت، خصوصیت دارد. نک به عنصر قانونی جرم سرقت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲. در آیه ۱۸ سوره شریفه حجر و ترجمه آن آمده است: لیکن هر شیطنی برای سرقت سمع (یعنی برای دزدیدن و دریافتن سخن فرشتگان عالم بالا) به آسمان نزدیک شود تیر شهاب و شعله آسمانی او را تعقیب کند. استرق: سرق: دزدی. استراق نیز به معنی دزدی است. «استرق منه: سرق»، استراق سمع به معنی مخفیانه گوش دادن است. «استرق السمع» به معنای «استرق المسموع» است. ابن اثیر و راغب و دیگران، شعله آتش گفته‌اند. جهت مطالعه بیشتر به اصل منبع روایی رجوع شود: قرشی بنابی، ۱۳۰۷ ص ۱۰۰

اختلاس: در فرهنگ لغت، اختلاس به معنای استلاب (گرفتن شیئی با قهر و غضب) آمده است. «خلست الشیء: اذا استبلته، اختلاس کردم شیء را، هنگامی است که سلب کرده‌ام آن را.» این گونه تفسیر اقتضای می‌کند، اختلاس همان معنای استلاب را داشته باشد و تفاوتی با یکدیگر نداشته باشند.

طرار: از جمله مفاهیم مشابه سرقت طر است. طر در لغت به معنای شکافتن و جدا کردن است طرار، یعنی جیب‌بری. جیب‌بری، مانند استلاب و اختلاس یکی دیگر از شکل‌های سرقت است و غالباً در مکان‌های شلوغ و پرازدحام مانند بازار، صف‌های اتوبوس و داخل اتوبوس‌ها اتفاق می‌افتد. جیب‌بری به دو شکل ممکن است واقع شود. در یک‌شکل مجازات آن قطع دست است و آن در صورتی است که مرتکب از جیب داخل که حکم حرز را دارد سرقت کند. در شکل دوم، مجازات آن تعزیر است و آن در صورتی خواهد بود که مرتکب از جیب ظاهر یا رو سرقت کنند زیرا در این فرض جیب ظاهر، حکم حرز را ندارد تا مجازات آن قطع دست باشد. در بیشتر نوشته‌های فقهی سرقت صریحاً تعریف نشده است. با این حال برخی از فقها آن را چنین تعریف کرده‌اند: السرقه: هی اخذ المال خفیه. سرقت عبارت است از: گرفتن مال به طور پنهانی. دو نکته یادآوری شود:

اولاً: در پاره‌ای موارد بجای خفیه از سرا استفاده شده و این اختلاف در تعبیر تفاوتی را در محتوای آن به وجود نمی‌آورد زیرا در هر حال منظور از «خفیه» یا «سرا»، پنهانی بودن عمل سرقت است؛

ثانیاً: از آنجا که منطقاً بایستی تعریف تا حد امکان خالی از ایراد و اشکال باشد، ضروری است در تعریف سرقت قید غیر نیز افزوده شود و همان‌گونه که مرحوم فیض کاشانی بیان کرده‌اند، گفته شود: السرقه، اخذ مال الغیر خفیه. (نک به منبع پیشین ارجاعی)

در برخی نوشته‌های فقهی چنین بیان شده که اگر کسی به قصد برگرداندن مال آن را بردارد،^۱ نمی‌توان وی را سارق دانست زیرا اگر مردم از قصد وی آگاه شوند، وی را سارق نمی‌نامند (فان الناس اذا علموا بقصد لایسموه سارقاً فالادله منصرفه عن مثله).^۲

۱. قصد استرداد مال مفهومی است که در زمینه‌های مختلف حقوقی به ویژه در رابطه با سرقت یا سرقت مطرح می‌شود. به طور کلی، سرقت شامل برداشتن کالا از تصرف دیگری به قصد سرقت است. اما در صورتی که قصد استرداد مال وجود داشته باشد، امانت گرفتن غیر مجاز از مال دیگری سرقت محسوب نمی‌شود. نک به:

- The Editors of Encyclopaedia Britannica. (1998, July 20). Larceny | Definition & Examples. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/larceny>

۲. البته در سرقت حدی به نظر می‌رسد نظر به وجود هتک حرز چنین مفهومی دست نباشد. در میان فقهای اسلامی تنها پیروان مذهب ظاهری با استناد به عموم آیه‌ی سرقت اجرای حد علیه سارق را وابسته به در حرز قرار داشتن مال مسروقه ندانسته‌اند ولی دیگر فقهای اسلامی در حرز قرار داشتن مال را یکی از شرایط سرقت مستوجب حد اعلام

برخی حقوقدانان عقیده دارند، برداشتن مال به عنوان سرقت، به معنای تصرف مالکانه در مال است، اگرچه مرتکب قصد بازگرداندن مال را داشته باشد. نوعاً چنین تعریف شد است سرقت از جرائم علیه اموال و موضوع آن مال منقول متعلق به غیر است. (حبیب زاده، ۱۳۸۰)

۴. یافته های تحقیقاتی

۴.۱. سرقت بر ضد اصل لزوم احترام به مالکیت

مالکیت یک اصطلاح کلی برای قوانین حاکم بر دسترسی و کنترل زمین و سایر منابع مادی است. از آنجا که این قواعد هم از نظر شکل کلی و هم از نظر کاربرد خاص آنها مورد مناقشه است، در مورد توجیه مالکیت مباحث فلسفی جالبی وجود دارد. بحث‌های فلسفی مدرن بیشتر بر موضوع توجیه حقوق مالکیت خصوصی (در مقابل مالکیت مشترک یا جمعی) متمرکز است. فیلسوفان اغلب استدلال کرده‌اند که برای رشد اخلاقی فرد، یا برای ایجاد محیطی اجتماعی که در آن مردم می‌توانند به عنوان کارگزاران آزاد و مسئول پیشرفت کنند، ضروری است. مالکیت خصوصی به مالکیت اموال توسط اشخاص حقوقی یا اشخاص حقیقی غیردولتی اطلاق می‌شود. از اموال عمومی که متعلق به یک نهاد دولتی است و از اموال جمعی یا تعاونی که متعلق به یک یا چند نهاد غیردولتی است قابل تشخیص است. مالکیت خصوصی ممکن است شامل املاک و مستغلات، ساختمان‌ها، اشیاء و مالکیت معنوی مانند کپی‌رایت، حق ثبت اختراع، علامت تجاری و اسرار تجاری باشد. در تعاریف دیگری چنین آمده است: مالکیت مفهومی است که جنبه‌های مختلف زندگی ما را شامل می‌شود، از جمله حوزه‌های شخصی، اقتصادی و حقوقی. این شامل رابطه بین مالک و مالکیت یک شی یا نهاد است. مالکیت را می‌توان از منظر واقعی و روان‌شناختی درک کرد. مالکیت واقعی به حقوق و مسئولیت‌های قانونی مرتبط با مالکیت و استفاده از یک مالکیت کامل اشاره دارد. (Liu et al, 2007, p248) از سوی دیگر، مالکیت روان‌شناختی به تجربه ذهنی ادعاهای مالکیتی، حتی بدون حق قانونی اشاره دارد. مالکیت یک واقعیت اجتماعی پیامدی است که توسط افراد، از جمله کودکان، قابل تغییر است و از نظر تأثیر آن بر تجربیات افراد با سایر حقایق اجتماعی متفاوت است. مفهوم مالکیت پیچیده است، با ابعاد مانند انحصاری، وابستگی، انتقال‌پذیری، مستندات و ارث‌بر معنانشناسی آن تأثیرگذار است. (Kalish, 2011, p65)

کرده‌اند اما در مورد مصداق حرز اختلاف نموده‌اند. برای تحقق شرط حرز مال باید به وسیله‌ی مالک یا کسی که در حکم اوست .. جهت مطالعه نک به: رحمانی شهرکی، سعید (بی تا)؛ عنصر معنوی سرقت؛ آنلاین شده قابل دسترسی در:

بیش از بسیاری از حوزه‌های سیاستی که فیلسوفان سیاسی به آن پرداخته‌اند، بحث مالکیت با مشکلات تعریفی مواجه است. اولین مسئله، تمایز بین مالکیت و مالکیت خصوصی است. به بیان دقیق، «مالکیت» یک اصطلاح کلی برای قوانینی است که بر دسترسی و کنترل مردم به چیزهایی مانند زمین، منابع طبیعی، وسایل تولید، کالاهای ساخته شده و همچنین (در برخی موارد) متون، ایده‌ها، اختراعات و سایر محصولات فکری اختلاف نظر در مورد استفاده از آن‌ها احتمالاً جدی است زیرا استفاده از منابع برای مردم اهمیت دارد. آن‌ها به‌ویژه در مواردی جدی هستند که اشیاء مورد نظر هم کمیاب و هم ضروری هستند. برخی پیشنهاد کرده‌اند که روابط مالکیت تنها در شرایط کمبود معنا پیدا می‌کند؛ اما دلایل دیگر تعارض ممکن است: ممکن است در مورد چگونگی استفاده از یک قطعه زمین معین اختلاف نظر وجود داشته باشد که از تاریخچه یا اهمیت نمادین آن قطعه زمین سرچشمه می‌گیرد، آیا زمین به‌طور کلی کمیاب است یا خیر. (مالکیت معنوی نمونه‌ای از قوانین مالکیت را ارائه می‌کند که مستقیماً به کمبود پاسخ نمی‌دهند؛ علاوه بر این، برخلاف اشیاء مادی، اشیاء مالکیت فکری شلوغ نیستند، زیرا استفاده از آن‌ها توسط یک شخص مانع استفاده تعدادی دیگر از آن‌ها نمی‌شود). هر جامعه‌ای که علاقه‌مند به اجتناب از تعارض است به چنین سیستمی از قوانین نیاز دارد. به‌سختی می‌توان اهمیت آن‌ها را دست بالا گرفت، زیرا بدون آن‌ها همکاری، تولید و مبادله عملاً غیرممکن است یا فقط در اشکال ترسناک و کوتاهی که در «بازارهای سیاه» می‌بینیم امکان‌پذیر است. این ضرورت گاهی به‌عنوان استدلالی به نفع مالکیت خصوصی ذکر می‌شود. در واقع، تنها چیزی که ثابت می‌کند این است که باید از نوعی قوانین مالکیت وجود داشته باشد. (نک به: منبع پیشین)

برخی از جوامع بشری برای هزاران سال وجود داشته‌اند که نیازها و خواسته‌های همه اعضای خود را برآورده می‌کنند، بدون مالکیت خصوصی یا چیزی شبیه آن در زمین یا سایر منابع عمده زندگی اقتصادی؛ بنابراین اولین گام در استدلال صحیح در مورد مالکیت، تمایز آن دسته از استدلال‌هایی است که وجود مالکیت را به‌طور کلی از استدلال‌هایی که از وجود سیستمی از نوع خاصی حمایت می‌کنند، متمایز می‌کند. اگر بخواهیم تعریف دیگری از مالکیت خصوصی ارائه دهیم. مالکیت خصوصی مفهومی است که به افراد کنترل انحصاری بر بدن خود و چیزهای اطراف خود می‌دهد. استدلال می‌شود که مردم با بدن خود هویت می‌کنند و آن‌ها را به‌عنوان بدن خود می‌دانند که به چیزهای اطراف آن‌ها گسترش می‌یابد. عملکرد یک حق مالکیت، اعطای کنترل فیزیکی یا کنترل هنجاری بر چیزها، مانند حقوق استفاده و محرومیت است. مالکیت خصوصی به‌عنوان یک ارزش سیاسی اولیه دیده می‌شود که منابع را برای افراد فراهم می‌کند تا زندگی کنند و سبک زندگی مورد نظر خود را دنبال کنند. توجیه مالکیت خصوصی پیچیده است و متکی بر منافع شخصی، حق

و سودمندی است، اما هر یک به تنهایی کافی نیست. مالکیت خصوصی یک نهاد اجتماعی است که توسط قانون و قانون‌گذاران ایجاد شده است و به همان اندازه که از آزادی فردی محافظت می‌کند، محدود می‌کند.

علی‌الیه سه نوع ترتیب مالکیت وجود دارد: مالکیت مشترک، مالکیت جمعی و مالکیت خصوصی. در یک سیستم مالکیت مشترک، منابع توسط قوانینی اداره می‌شوند که هدف آن‌ها در دسترس قرار دادن آن‌ها برای استفاده توسط همه یا هر یک از اعضای جامعه است. برای مثال، یک قطعه زمین مشترک، ممکن است توسط همه افراد جامعه برای چرای گاو یا جمع‌آوری غذا استفاده شود. یک پارک ممکن است برای پیک‌نیک، ورزش یا تفریح به روی همه باز باشد. هدف از هرگونه محدودیت در استفاده صرفاً ایمن کردن دسترسی منصفانه برای همه و جلوگیری از استفاده هرکسی از منبع مشترک به نحوی است که استفاده از آن توسط دیگران را منع کند.

۲.۴. سرتقت حدی

خداوند متعال برای حفظ جامعه از زوال و فساد و حفظ حقوق افراد از سوءاستفاده و ظلم، مجازات‌هایی را در اسلام تشریح کرد. از جمله مجازات‌هایی که خداوند متعال با عنایت به این منظور تشریح کرده است، مجازات سرتقت است که مجازاتی است که هدف اولیه آن حفظ مال است و پول برای انسان عزیز است. خداوند متعال برای نیل به این هدف می‌فرماید: «و دزدان مرد و زن، دست‌هایشان را به سزای اعمالی که انجام داده‌اند، عذابی از جانب خداوند قطع کن و خداوند توانا و حکیم است.» (جوهری، ۱۴۰۷، ص ۴۶۲) حد در لغت، حداقل به دو معنا به کار رفته است: یکی مرز و انتها و دیگری منع است. (جوهری، پیشین)

در قانون مجازات اسلامی حد چنین تعریف شده است: «حد، به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.» لفظ سرتقت از ماده «سرق» به معنای سرقتدن است. (معلوف، ۱۳۸۰) مصدر آن سرقه است و استراق سمع به معنای دزدانه گوش کردن، از همین کلمه ساخته شده است. در اصطلاحی به ربودن مال منقول متعلق به دیگری به‌طور متقلبانه را سرتقت گویند. (ایمانی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۱) سرتقت را چنین تعریف کرده: «ربودن مال دیگری به‌طور پنهانی» که تعریف مذکور درباره سرتقت حدی است اما اگر به‌جای قید «به‌طور پنهانی» از قید «به‌طور متقلبانه» استفاده شود و شامل سرتقت حدی و تعزیری می‌شود. سرتقت حدی، یکی از انواع سرتقت است که دارای مجازات حدی یا همان، حد سرتقت، یعنی، قطع انگشتان دست یا پا (به ترتیبی که شرع مشخص کرده) و در مواردی، اعدام می‌باشد و تنها در صورت وجود تمام شرایط (۱۴) گانه مندرج در ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نظیر ربودن مخفیانه مال در حرز با هتک حرز،

محقق خواهد شد. سرقت حدی که دارای مجازات حدی، یعنی مجازاتی که نوع، میزان، نحوه اعمال و سبب آن، در شرع مشخص شده، می‌باشد، یکی از انواع سرقت بوده که قانون‌گذار، به تبعیت از شرع، آن را پیش‌بینی کرده و قاضی، هیچ‌گونه اختیاری در کاهش یا افزایش مجازات آن، ندارد.^۱

سرقت حدی، در فقه اسلامی، به این صورت تعریف می‌شود: "ربودن مخفیانه، معادل ۴.۵ نخود طلای مسکوک متعلق به غیر، با هتک حرز، توسط شخص بالغ و عاقل و مختار، در غیر سال قحطی که مرتکب، پدر مالباخته نباشد". این تعریف، تعریفی است که فقها از سرقت حدی ارائه کردند. بنابراین تعریف که تعریف قانونی در قانون مجازات اسلامی نیز، بر اساس آن است، در شرایطی که کسی، در زمانی که قحطی نیست، مال در حرز دیگری (غیر از فرزند یا نوه پسری خود) را که معادل ۴.۵ نخود، طلای مسکوک است، با هتک حرز و به‌طور مخفیانه، برآید، و حین سرقت، عاقل و بالغ و مختار باشد، سرقت حدی، محقق خواهد شد. باید دانست که سرقت حدی، متفاوت با سرقت تعزیری است. سرقت حدی، دارای مجازات حدی بوده و تنها در صورت وجود شرایط چهارده‌گانه آن، محقق خواهد شد اما، سرقت تعزیری، دارای مجازات تعزیری می‌باشد و به‌صرف ربودن مال دیگری، به‌طور پنهانی، تحقق می‌یابد. مستفاد از ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی، شرایط سرقت حدی، موارد چهارده‌گانه که در ادامه می‌آیند، هستند و تنها در صورت وجود جمیع این موارد، سرقت حدی، محقق خواهد شد:

- شیء مورد سرقت، شرعاً و قانوناً، مالیت داشته باشد، وگرنه سرقت حدی، محسوب نمی‌شود؛
- مال مورد سرقت، در حرز (مکانی بسته و محفوظ) باشد. حرز یعنی، مکان مناسبی که عرفاً، مال در آن، از دستبرد محفوظ می‌ماند؛ مانند گاو صندوق؛
- سارق، اقدام به هتک حرز، یعنی از بین بردن محل نگهداری مال کند که از مصادیق هتک حرز، می‌توان به باز کردن یا شکستن قفل گاو صندوق اشاره کرد؛
- سارق، مال مورد سرقت را از حرز، خارج کند. یعنی، صرف هتک حرز، کافی نبوده و بعد از هتک حرز، خود سارق باید، مال را از آن خارج کند تا سرقت حدی محسوب شود. برای مثال،

۱. در برخی از منابع ادعایی دیگر درباره حدود مطرح شده است: آیه‌ای است که اسلام‌گرایان برای توجیه قطع دست کسانی که دزدی می‌کنند، از آن استفاده می‌کنند و توسط دیگر تکفیری‌ها برای کفره جوامع و دولت‌هایی که با تمدن بشری تکامل یافته‌اند، برای رد این نوع مجازات بدنی استفاده می‌شود. نکته عجیب این است که کلمه "حدود" که اسلام‌گرایان خواستار اجرای آن به عنوان بخشی از قوانین اسلامی هستند، حتی یک بار همانطور که بسیاری تصور می‌کنند برای توصیف هرگونه مجازات جسمی در کتاب خدا مطرح نشد، اما کاملاً برعکس، کلمه "حدود" در چندین مکان مطرح شد که هیچ ارتباطی با مجازات‌های جسمی ندارند. به عنوان مثال، قرآن از کلمه "حدود" برای جلوگیری از خروج شوهر از خانه زناشویی و همچنین جلوگیری از رابطه فیزیکی بین زن و شوهر در داخل مساجد به دلیل احترام به خانه‌های عبادت استفاده کرد و همچنین به ایجاد اصل رفتار طبقه بالا بین همسران در صورت طلاق رسید و اینها برخی از آیاتی است که در آن کلمه "حدود" برای توصیف این اصول ذکر شده است. نک به: (توفیق، ۲۰۱۸ م)

در صورتی که الف قفل گاوصندوقی را باز کند و ب مال را از گاوصندوق بردارد، سرقت، حدی محسوب نمی‌شود و از مصادیق سرقت تعزیری، لحاظ خواهد شد؛

- هتک حرز و سرقت، باید مخفیانه باشد نه به صورت علنی؛^۱
- مرتکب جرم سرقت حدی، پدر یا جد پدری صاحب‌مال نباشد؛
- ارزش مال مورد سرقت، در زمان خارج کردن از حرز، برابر با چهار و نیم نخود، طلای مسکوک باشد؛
- مال مورد سرقت، از اموال عمومی و یا اموالی که وقف عام و یا وقف بر جهات عامه هستند، نباشد؛
- به عبارتی، سرقت حدی، فقط در خصوص اموال خصوصی، مصداق دارد و سرقت اموال عمومی، مشمول عنوان مجرمانه دیگری می‌گردد؛
- سرقت حدی، در زمانی که قحطی بر جامعه حاکم است، صورت نگرفته باشد.^۲

سرقت گرچه یکی از جرائم مستوجب حد است اما دارای دو جنبه حق‌اللهمی و حق‌الناسی می‌باشد و جنبه حق‌الناسی آن اقتضا می‌کند تا زمانی که صاحب‌مال شکایت نکند جرم سرقت قابل تعقیب در دادگاه نباشد. البته برای این ادعا، دلیل خاص از روایات نیز وجود دارد و اگر این دلیل خاص وجود نداشت، شاید شبهه حاصل می‌شد که آیا بدون شکایت صاحب‌مال مرتکب سرقت حدی قابل تعقیب

شبهه‌های علمی و مطالعات فقهی

۱. با جستجو در عبارات فقها روشن می‌شود که بسیاری از آنها علاوه بر اعتبار محرز بودن مال مسروقه به عنوان یکی از شرایط مال مسروقه در سرقت مستوجب حد، هتک حرز توسط سارق را نیز از جمله شرایط سارق در سرقت مستوجب حد دانسته‌اند. آن دسته از فقهای هم که متذکر این شرط در سرقت مستوجب حد نشده‌اند اصلاً متعرض هیچگونه نقدی نسبت به سخنان قائلین به شرطیت هتک حرز نشده‌اند. قانونگذار نیز از نظریه اکثریت فقها پیروی کرده و پس از اعتبار محرز بودن مال مسروقه به عنوان یکی از شرایط سرقت حدی در ماده ۲۶۸ ق.ا.م.صوب ۱۳۹۲ ذیل همین ماده، هتک حرز توسط سارق را نیز از جمله شرایط سرقت مستوجب حد دانست. نگارنده پس از بررسی ماهیت هتک حرز و ادله فقها بر اعتبار این شرط، با استناد به یک دسته از دلایلی همچون الغای خصوصیت از موارد موجود در روایات، نتیجه می‌گیرد که هیچ دلیلی بر اعتبار این شرط در سرقت مستوجب حد وجود ندارد بلکه صرف محرز بودن مال مسروقه و اخراج مال مسروقه توسط سارق از حرز، در سرقت مستوجب حد کافی است و نیازی به اعتبار هتک حرز توسط سارق نیست. جهت مطالعه بیشتر به اصل منبع ارجاعی رجوع شود: (حسین نژاد، ۱۴۰۱، ص ۳۴۵)

۲. ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است که سرقت در صورت فقدان هر یک از شرایط موجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است. بنابراین می‌توان ۱۴ یا ۱۵ نوع سرقت تعزیری (با احتساب ماده ۲۷۰) را برشمرد که هر کدام تنها یک شرط از شرایط سرقت حدی را ندارند. علاوه بر این می‌توان سرقت‌هایی را برشمرد که دو، سه و حتی چهار شرط از شرایط سرقت حدی را نداشته باشند. اما آیا میزان شدت تمام این سرقت‌ها برابر است؟ یا قاضی باید حسب شدت جرم، میزان مجازات را مشخص کند؟ اینکه کدام یک از شرایط سرقت حدی تأثیر بیشتری در شدت بخشیدن به سرقت تعزیری دارد؟ نتیجه مطالعه نشان داد که عدم وجود دو فاکتور «هتک حرز» و «ربایش مخفیانه» بیشترین تأثیر در کاهش شدت سرقت تعزیری دارد. جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به: آقایی میدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵)

می‌باشد یا خیر؟^۱ دلیل خاصی روایتی می‌باشد از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است. (حر عاملی، بی تا، ص ۳۴۴)

۳.۴. سرقت تعزیری

با مروری بر قوانین نظام اسلامی یکی از انواع جرائم و مجازات‌هایی که می‌تواند بر اساس شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی باشد جرائم و مجازات‌های تعزیری است. (زراعت، ۱۳۸۷، ص ۲۵۰) کیفر همواره به‌عنوان شدیدترین واکنش نظام عدالت کیفری درباره قانون‌شکنان مورد استفاده قرار گرفته است و هر نظام حقوقی در کیفر گذاری و کیفر گزینی بر اساس مبانی فکری- فلسفی خود هدف خاصی را دنبال می‌نماید. به طوری که اهداف مجازات، اشکال مجازات را نیز شکل می‌دهند. اهداف اصلی، مبانی و اشکال مجازاتی که عمدتاً در جامعه اجرا می‌گردند، معرف خصوصیات و ماهیت آن جامعه می‌باشند. نظام کیفری ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بدون ارائه هیچ‌گونه تئوری مدلی برای سیاست کیفری و بدون تعیین هدف اصلی از جرم انگاری و کیفر گذاری در جهت اجرای اصل چهارم قانون اساسی، با تبعیت از نظرات فقهی نص گرایان کیفرهای مبتنی بر مبانی حقوق عرفی را کنار گذاشته و ضمانت اجراهای بکار رفته در زرادخانه کیفری خود را با نظام حقوقی اسلام مطابقت نمود. درحالی که با مذاقه در میزان و نوع این کیفرها، تضادها و واگرایی‌های فراوانی بین نظام کیفری ایران و نظام حقوقی اسلام ملاحظه می‌گردد. از سوی دیگر به تدریج به دلیل ظهور نظرات فقهی جدید، مخالفت‌های حقوقدانان، همچنین فشارهای بین‌المللی، بروز مشکلات در عرصه اجرا و نهایتاً واقع‌گرایی، نظام کیفری ایران با کاربست نوع خاصی از مصلحت نسبت به تعدیل، تبدیل و تقلیل کیفرها بدون در نظر گرفتن آثار و تبعات آن اقدام نموده است. جایگزینی مجازات شلاق بجای مجازات‌های عرفی در قانون تعزیرات ۱۳۶۲، تعدیل مجازات شلاق و جایگزینی آن با مجازات حبس در تعزیرات ۱۳۷۵ و قانون کاهش مجازات‌های حبس در سال ۱۳۹۹ نمونه‌هایی از سیاست کیفری تبدیل و تقلیل گرایانه در راستای مصلحت‌گرایی می‌باشد. (جاوید مهر و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۳۹۲)

بر اساس قانون مجازات اسلامی، یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های سرقت، سرقت تعزیری در مقابل سرقت حدی است. با این توضیح که اگر سرقتی مشمول شرایط سرقت حدی نباشد، با رعایت شرایطی می‌توان آن را سرقت تعزیری نامید که مجازات تعزیر مرتکب را نیز در پی خواهد داشت. بر اساس قانون مجازات اسلامی، سرقت عبارت است از " بردن مال متعلق به غیر بدون اجازه او ". بنابراین " ربایش مال دیگران " می‌تواند مشمول یکی از عناوین جرم سرقت شود؛ مانند سرقت طلا

از منزل. سرقت تعزیری همان‌طور که از نام آن بر می‌آید، نوعی از سرقت است که مجازات پیش‌بینی شده برای آن، مجازات تعزیری است. لازم به ذکر است که سرقت حدی به‌نوعی از سرقت گفته می‌شود که شرایط مربوط به آن، بر اساس موازین شرعی مشخص شده است و سرقتی که این شرایط را نداشته باشند، سرقت تعزیری می‌باشد. به عبارت دیگر، سرقتی که شرایط سرقت حدی را نداشته باشد، سرقت تعزیری خواهد بود. درباره شرایط سرقت تعزیری در ماده ۶۵۱ قانون مجازات ، بخش تعزیرات آمده است :

- اگر سرقت در شب باشد.
- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
- یک یا چند نفر از آن‌ها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند. منظور از سلاح موارد زیر است:
- انواع سلاح گرم از قبیل تفنگ و نارنجک؛
- انواع سلاح سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه‌بوکس؛
- انواع سلاح سرد جنگی مشتمل بر کارکردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آن‌ها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ؛

انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ‌های ساچمه زنی، تفنگ‌های مخصوص بی‌هوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی؛ سارق از دیوار بالا رفته باشد، یا حرز را شکسته (یعنی مکانی متناسبی که عرفاً مال برای جلوگیری از سرقت در آن نگهداری می‌شود را از بین ببرد و مال را بردارد)، یا کلید بسازد یا اینکه از عنوان یا لباس مأموران دولتی استفاده کند و یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی مثلاً پلیس معرفی کند یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است، سرقت کرده باشد. سارق یا سارقان در حین سرقت به کسی آزار رسانده باشند و یا تهدید کرده باشند.^۱

۱. جرم سرقت ساده زمانی که به‌کارگیری عمل آزاردهنده علیه دیگری یا تهدید به آن توأم می‌گردد، تبدیل به سرقت مشدد می‌شود. این سرقت مشدد که سرقت مقرون به آزار نامیده شده است، تشدید مجازات مرتکب را همراه خواهد داشت. چرایی این امر را باید در اعمال زور و خشونتیی جستجو کرد که ممکن است زندگی بزه دیده را در معرض خطر قرار دهد. بر این اساس، اگرچه مقابله مؤثر با این جرم کاملاً ضروری است، اما رویکرد قانون‌گذار ایرانی، متبلور شده در ماده ۶۵۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، دارای برخی نواقص است که از جمله آن‌ها می‌توان به عدم تصریح به واژه «تهدید» در کنار آزار (و اختلاف‌نظرهای احتمالی ناشی از آن) و نیز مانع‌الشمول نبودن عنصر قانونی جرم بحث اشاره کرد. از این‌رو، در این مقاله، با توجه به رویکرد نظام کیفری انگلستان در قبال سرقت مقرون به آزار، اصلاحاتی از قبیل گسترش قلمرو جرم و حذف جمله مربوط به مسلح بودن سارق در زمان سرقت از عنصر قانونی این جرم به قانون‌گذار پیشنهاد شده است. (حسینی، دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۵)

۴.۴. سرقت از منظر آموزه جرم شناسی پیشگیرانه

پیشگیری از جرم به راهکارها و اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف آن کاهش خطر وقوع جرم و اثرات مضر بالقوه آن بر افراد و جامعه، از جمله ترس از جرم، از طریق مداخله برای تأثیرگذاری بر علل متعدد آن است. پیشگیری مؤثر مستلزم این است که بازیگران در سیستم قضایی با سایر بخش‌هایی که با مجرمان و قربانیان تعامل دارند، مانند مددکاران اجتماعی، مقامات دادستانی و کلای مدافع، همکاری کنند تا اطمینان حاصل شود که ارتباطات مؤثر است و ارجاع پرونده‌های فردی به خدمات مناسب انجام می‌شود. ساخته شده است. پیشگیری از جرم را می‌توان با استفاده از تکنیک‌های مختلفی به کار برد، از جمله پیشگیری از وقوع جرم که بر کاهش فرصت ارتکاب جرم متمرکز است و پیشگیری ثالث که پس از وقوع جرم برای پیشگیری از حوادث متوالی مورداستفاده قرار می‌گیرد. پیشگیری از جرم یک استراتژی بهداشت عمومی است و کارهای زیادی وجود دارد که اعضای جامعه می‌توانند برای کاهش احتمال قربانی شدن خود انجام دهند.

در تعاریف دیگر چنین آمده است: "پیشگیری از جرم شامل راهبردها و اقداماتی است که به دنبال کاهش خطر وقوع جرائم، و اثرات مضر بالقوه آن‌ها بر افراد و جامعه، از جمله ترس از جرم، از طریق مداخله برای تأثیرگذاری بر علل متعدد آن‌ها است." قطعنامه ۱۳/۲۰۰۲ ECOSOC پیشگیری از جرم، پیوست. پیشگیری مؤثر مستلزم همکاری بازیگران در سیستم قضایی با سایر بخش‌ها برای رسیدگی به علل ریشه‌ای اختلافات و جلوگیری از درگیری، خشونت و نقض حقوق بشر است. در رابطه با جرم و خشونت، این بدان معناست که لازم است از اقدامات تنبیهی به پیشگیری مبتنی بر شواهد که سطوح خشونت، به‌ویژه علیه زنان، کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر را کاهش می‌دهد، حرکت کرد. همچنین به این معنی است که بخش‌هایی که با مجرمان و قربانیان تعامل دارند، مانند مددکاران اجتماعی، مقامات دادستانی و کلای مدافع، باید در اجرای برنامه‌های پیشگیری گنجانده شوند تا اطمینان حاصل شود که ارتباطات مؤثر است و ارجاع پرونده‌های فردی به ارائه‌دهندگان خدمات مناسب انجام می‌شود. بدون مشکل و به نفع افراد ذینفع است. دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) از کشورهای عضو درخواست می‌کند تا ظرفیت بازیگران و سیستم‌های کلیدی پیشگیری از جرم را برای عملکرد مؤثرتر و مطابق با حقوق بشر باهدف کاهش جرم، قربانی شدن افزایش دهند. (See: UNODC Crime Prevention) پیشگیری از جرم یک تلاش چند رشته‌ای است که ذینفعان مختلفی از جمله مجریان قانون، جوامع، فعالان، محققان و قانون‌گذاران را درگیر می‌کند. (Grimshaw et al, 2023, p82)

سرقت جرم فرصتی است که با آگاهی و پیشگیری می‌توان آن را کاهش داد. چه در خانه باشید، چه در ماشین و چه در حال پیاده‌روی، رعایت برخی اقدامات احتیاطی خطر قربانی شدن را کاهش

می‌دهد. تجربیات قضایی و مطالعات علمی به اثبات رسانده است اکثر سارقان مجرمان زنجیره‌ای هستند که تا دستگیری به اقدامات خود ادامه می‌دهند. پدیده سرقت، امنیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان را تهدید می‌کند. این پدیده که به‌نوعی بانظم و امنیت کشور در ارتباط است، به لحاظ وارد ساختن آسیب‌های روحی و جسمی به مالباختگان، باعث ایجاد ناامنی در جامعه می‌شود. افزایش رو به رشد جرم سرقت از اماکن به‌عنوان یکی از انواع اعمال مجرمانه سارقان در جامعه و لزوم مبارزه با آن، می‌طلبد پیشگیری از جرم را مدنظر قرار داده تا شاهد کاهش وقوع این جرم در سطح جامعه باشیم. برای پیشگیری از جرم سرقت، می‌توان از راهکارهای مختلفی استفاده کرد. یکی از راهکارها، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی است که به کاهش وقوع سرقت از اماکن کمک می‌کند (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۵۱) همچنین، پیشگیری وضعی به مجموعه تدابیری اطلاق می‌شود که کاهش و حذف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم را سرلوحه اقدامات خود قرار می‌دهد. از دیگر راهکارها می‌توان به ثبت سابقه مجرمان و تهیه بانک اطلاعاتی پرونده‌های قضایی برای آن‌ها و استفاده از سیستم اطلاعات مکانی اشاره کرد. این راهکارها و پیشنهادات، با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و جامعه شهری، می‌تواند به پیشگیری از جرم سرقت کمک کند. بر اساس تحقیقات علمی صورت گرفته بدین نتایج جالبی دست‌یافته‌اند از نظر مالباختگان مهم‌ترین عامل وقوع سرقت از اماکن (منزل و مغازه)، رعایت نکردن اصول ایمنی از جمله استفاده نکردن از قفل و بست مناسب، دزدگیر، آژیر خطر، گاو صندوق، دوربین مداربسته، نگهبان؛ دور بودن از گشت‌های پلیسی و مراکز انتظامی و همچنین خالی بودن اماکن مسکونی از حضور سکنه است که با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی می‌توان از وقوع آن‌ها جلوگیری کرد. (Clarke, 1999, p1)

اگر بخواهیم به سابقه تاریخی خاص آن نیز در دوران نه‌چندان دور در دیگر کشورها بپردازیم باید گفت: سرقت خودرو سهم قابل توجهی در آمار جرم و جنایت ایالات‌متحده دارد. ۱۱ درصد از کل جرائم شاخص جرم یکنواخت در سال ۱۹۸۹ و ۱۲ درصد از جرائم گزارش‌شده در مکمل خطر قربانی به بررسی ملی جرم و جنایت شامل سرقت و از وسایل نقلیه بوده است. سرقت خودرو در سایر کشورهای توسعه‌یافته حتی زمانی که نرخ سرقت به ازای هر خودروی ثبت‌شده محاسبه می‌شود، شایع‌تر است. سرقت خودرو در طول سی سال گذشته بیش از سایر جرائم مهم اموال در ایالات‌متحده افزایش نیافته است، اما ممکن است به‌طور فزاینده‌ای تحت دامنه مجرمان سازمان‌یافته بزرگ‌سال قرار گیرد. حتی در این صورت، سرقت‌هایی که برای استفاده موقت و جویریدینگ انجام می‌شوند، حداقل دو به یک از سرقت‌های حرفه‌ای بیشتر است. به‌نوبه خود، این اشکال سرقت خودرو نسبت به سرقت از وسایل نقلیه (از جمله قطعات) حدود پنج به یک بیشتر است. امیدوارکننده‌ترین رویکرد پیشگیرانه از طریق ساخت وسایل نقلیه ایمن‌تر است. بهبود اسناد مالکیت و تغییرات محیطی در پارکینگ‌ها نیز ممکن است سودهایی را به همراه داشته باشد. نمونه

ای دیگر از سرقت که مبتنی بر رویکردهای خاص پیشگیرانه است، سرقت هویت است، تخمین زده می‌شود که سالانه ۲۶ میلیون شهروند آمریکایی قربانی یک جنایت مبتنی بر هویت شده‌اند. این مطالعه با بررسی دیدگاه‌های مربوط به رویکردهای فن‌آوران برای پیشگیری از سرقت هویت در میان ۵۰ متخصصی که در خدمات قربانیان جرم مبتنی بر هویت، از جمله افرادی از بخش دولتی و خصوصی کار می‌کنند، به بورس تحصیلی در مورد جرائم مالی کمک می‌کند. (Piquero et al, 2022, p163) سرقت جرم فرصتی است که با آگاهی و پیشگیری می‌توان آن را کاهش داد. چه در خانه باشید، چه در ماشین و چه در حال پیاده‌روی، رعایت برخی اقدامات احتیاطی خطر قربانی شدن را کاهش می‌دهد. (See: Department of Public Safety, 2023) البته نباید فراموش کرد دولت نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا می‌کند از طریق برنامه‌های مختلفی که وقوع جرم را کاهش می‌دهد. (Amor et al, 2023, p23)

۴.۵. سرقت از منظر حقوق تطبیقی و آموزه‌های بین المللی

به حقوق برخی از ایالت‌های آمریکا اگر رجوع کنیم در این خصوص باید گفت: سرقت اغلب به سرقت بزرگ و سرقت خرد تقسیم می‌شود. اگر ارزش کالاهای مسروقه بیش از مقدار معینی باشد که توسط قانون ایالت تعیین شده است، ممکن است جرم به سرقت بزرگ تبدیل شود. نوع کالای سرقت زده شده ممکن است بر بزرگ یا کوچک بودن سرقت نیز تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، قانون مجازات کالیفرنیا § ۴۸۷ بیان می‌کند که سرقت بزرگ زمانی انجام می‌شود که ارزش کالای سرقت شده از ۹۵۰ دلار بیشتر شود یا یک خودرو یا سلاح گرم، در میان انواع دیگر کالاها، گرفته شود. قانون مجازات کالیفرنیا § ۴۸۸ سرقت خرد را سرقت تعریف می‌کند که سرقت بزرگ نیست. سرقت بزرگ بسته به شدت سرقت و حوزه قضایی ممکن است جنایت یا جنحه باشد، در حالی که سرقت جزئی جنحه است. (Theft. (2021). LII / Legal)

در برخی کشورها سرقت یک جرم سرقت بسیار خاص است که در طول سال‌ها تکامل یافته است. به‌طور سنتی، محکومیت برای سرقت به این صورت بود که نشان می‌داد متهم شبانه به‌طور غیرقانونی به قصد ارتکاب جرم وارد خانه‌ای شده است. این تعریف محکومیت‌های سرقت را به شدت محدود می‌کند، زیرا می‌توان آن را فقط در مورد سرقتی که در داخل خانه (برخلاف ساختمان اداری یا گاراژ) و در تاریکی رخ می‌دهد، اعمال کرد. به همین دلیل، اکنون اکثر ایالت‌ها تعریف سرقت را گسترش داده‌اند تا به‌طور گسترده‌تر در مورد ورود غیرقانونی به هر ساختاری به قصد ارتکاب جرم در داخل اعمال شود. قابل ذکر است، اگرچه ما معمولاً سرقت را یک جرم سرقت می‌دانیم، اما این تعریف گسترده‌تر جرم عینی را به سرقت محدود نمی‌کند متهم ممکن است برای

هر هدف مجرمانه وارد ساختار شود. (justia.com,2023) در حقوق بین‌الملل، سرقت دریایی یکی از مسائلی است که منجر به اختلافات و چالش‌هایی بین کشورها می‌شود. حقوق بین‌الملل برای مقابله با این پدیده، ابزارهای مناسبی از جمله اصل صلاحیت جهانی را پیش‌بینی کرده است. این اصل به کشورها اجازه می‌دهد تا در مورد دزدی‌های دریایی که تأثیر چندین کشور را دارند، اقدامات لازم را انجام دهند. به‌عنوان مثال، ایران نیز در این زمینه اقداماتی انجام می‌دهد و تحلیلی بر صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به این موضوع صورت می‌گیرد. مفهوم سرقت در نظام‌های حقوقی مختلف تفاوت‌هایی دارد و این امر می‌تواند منجر به اختلافات و چالش‌ها در حقوق بین‌الملل شود. اگر بخواهیم به کشور بریتانیا بپردازیم می‌توان گفت: شخص مجرم سرقت در صورت محکومیت بر اساس کیفرخواست محکوم به حبس حداکثر از ده سال خواهد بود. قانون‌گذار انگلیسی در بخش ۸ (۱) قانون ۱۹۶۸ سرقت را این‌گونه تعریف می‌کند: "اگر شخص سرقت کند و بلافاصله قبل یا در زمان انجام آن سرقت کند و برای انجام این کار به هر شخصی زور بزند یا اعمال کند، در سرقت مجرم است. یا به دنبال این است که کسی را در ترس از آن و آنجا در معرض زور قرار دهد."^۲

البته سرقت می‌توان برخی مواقع جنبه فرهنگی و تمدنی قرار گیرد که اینجا دیگر به‌عنوان میراث بشریت موردنظر است همانند سرقت آثار فرهنگی که در این حوزه دسته‌بندی می‌شود. تاریخچه طولانی بحث بین‌المللی در مورد بازگرداندن هنرهای مرتبط فرهنگی وجود دارد. این موضوع که ریشه در دیدگاه‌های جهانی اخلاق و هویت ملی پس از استعمار دارد، امروزه بر دو ملاحظات مهم متمرکز است: چارچوب‌های حقوقی نظام بین‌الملل مدرن و مکانیسم‌های جایگزینی که سایر راه‌های بالقوه حل اختلاف را فراهم می‌کنند. درحالی‌که استدلال‌های بی‌شماری به نفع بازگرداندن آثار هنری سرقت زده شده به کشورهای مبدأ آن‌ها وجود دارد، هیچ تعهد حقوقی بین‌المللی واقعی برای بازگرداندن چنین اموالی بدون مبنایی در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی کلیدی وجود

۱. مفهوم سرقت رابطه‌ای تنگاتنگ با مفهوم مالکیت دارد. با عنایت به اهداف شکل‌گیری مفهومی در نظام حقوقی در بخش نخست این دو مفهوم در سطح نظری مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این سطح «مالکیت» به عنوان مجموعه‌ای از چهار نوع حق شامل، «حق تصرف»، «حق تغییر»، «حق استفاده» و «حق انتقال» در ارتباط با انواع مال اعم از ملموس و غیرملموس یا منقول و غیرمنقول، به عنوان موضوع این «حق‌ها»، تعریف می‌شود. متناظر با این تعریف، دامنه مفهومی سرقت مشخص می‌گردد؛ یعنی تعدی به یکی یا تمامی «حق‌های» مطروحه نسبت به یک یا تمام انواع مال (موضوع «حق‌ها») در مجموعه مزبور. در حقوق ایران تنها تعدی به «حق تصرف» نسبت به اموال منقول محدوده مفهومی سرقت را تشکیل می‌دهد. جهت مطالعه رجوع شود به: آقایی نیا، دیگران ؛ ۱۳۸۸، ص ۴۵

۲. براساس این قانون برای سرقت و دزدی چنین تصمیم‌گیری می‌گردد:
کسی که دزدی کند و بلافاصله قبل یا در زمان انجام آن سرقت کند و برای انجام آن به هر شخصی زور بزند یا کسی را در ترس از آن قرار دهد یا بخواهد دزدی کند مجرم است. و در آنجا مورد زور قرار گرفت.

شخص مجرم دزدی در صورت محکومیت بر اساس کیفرخواست محکوم به حبس حداکثر از چهارده سال (زندانی) خواهد بود. (نک به منبع:)
Theft Act ,1968

ندارد. اما آیا واقعاً این قراردادهای تاریخی همه قدرت‌های بزرگ را موظف می‌کند که آثار هنری فرهنگی را به سایت‌های میراث ملی خود بازگردانند؟ یا مکانیسم‌های جایگزین کارآمدتری برای بازگشت چنین هنری وجود دارد؟ اعلامیه بروکسل (۱۸۷۴) بسیار جلوتر از زمان خود بود. در پاسخ به لشکرکشی‌های اروپایی موفق ناپلئون، که خزانه‌های ملی و املاک خصوصی متعددی را تصرف کرد، این اولین تدوین ناموفق قوانین جنگ تأیید نشده باقی ماند. با این حال، ارجاعات خاص و حک شده از مالکیت خصوصی را حفظ کرد. چند مفاد کلیدی با بحث ما مرتبط هستند. ماده ۶ تصرف اموال منقول دولت اشغالی را در صورت مفید بودن «برای عملیات جنگی» مجاز می‌داند. اما ماده ۳۹ غارت را ممنوع کرده است. ماده ۸ مقرر می‌دارد: «هرگونه تصرف یا تخریب یا آسیب عمدی به... آثار تاریخی، آثار هنری و علمی، مشمول پیگرد قانونی است». در حالی که بند (ز) ماده ۱۳ صریحاً اعلام کرد که «تخریب یا مصادره... که ضرورت جنگ اقتضا نکرده باشد» غیرقانونی است. این اعلامیه شکست‌خورده پایه و اساس توافق‌های بین‌المللی آتی را ایجاد کرد که به دنبال پایان دادن به حقوق جوایز و تدوین حمایت‌هایی برای انواع خاصی از خانه‌ها و ساختمان‌های بی‌ربط به جنگ بودند. کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه بیانیه بروکسل را گسترش داد و مقررات تقریباً مشابهی را برای حفاظت از آثار هنری و اموال شخصی در نظر گرفت. کشورهای شرکت‌کننده و بعداً همه کشورها از طریق حقوق بین‌الملل عرفی را موظف کرد که «ساختمان‌های اختصاص داده شده به دین، هنر، علم... اهداف خیریه، بناهای تاریخی، [و] بیمارستان‌ها... [از بمباران] استفاده نکنند، مشروط بر اینکه از آن‌ها استفاده نشود. زمان برای مقاصد نظامی» (ماده ۲۷). همچنین آن‌ها را موظف کرد که از اموال خصوصی در برابر مصادره محافظت کنند (نک به ماده ۴۶).

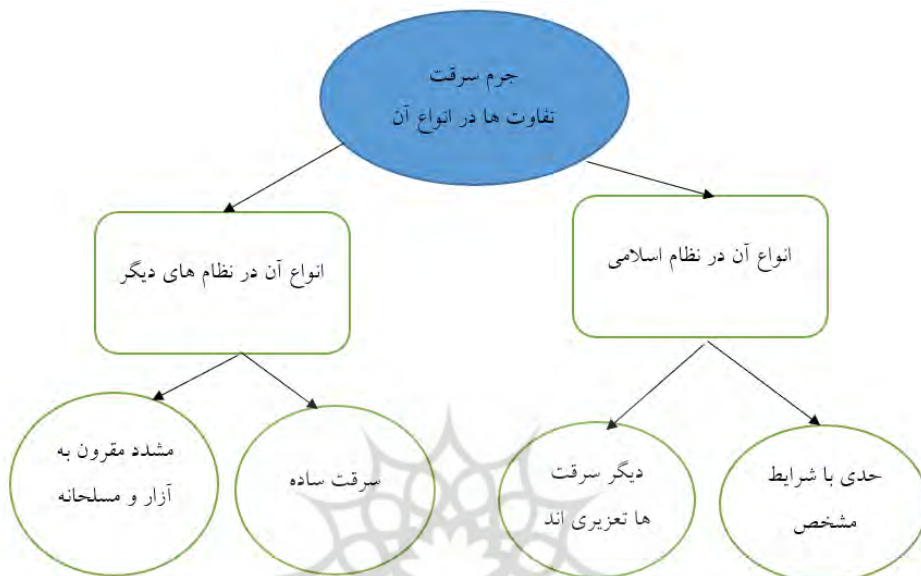
کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه که در پی تخریب گسترده مؤسسات فرهنگی و غارت خزانه در طول جنگ جهانی دوم تصویب شد، صریحاً از اموال فرهنگی در جریان درگیری‌های مسلحانه محافظت می‌کند. این توافقنامه که به شدت تحت تأثیر اعلامیه لندن در سال ۱۹۴۳ بود، که تمام نقل و انتقالات اموال نازی‌ها از آثار هنری توقیف‌شده را باطل می‌کرد، توسط بیش از ۱۰۰ کشور تصویب شد و اقداماتی را برای جلوگیری از تخریب هنر و سایر میراث فرهنگی در زمان جنگ تجویز کرد. در حالی که چند تفاوت کلیدی بین کنوانسیون ۱۹۰۷ و کنوانسیون لاهه بعدی وجود دارد، تأثیرگذارترین تغییرات برای بررسی ما، پروتکل‌های اول و دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ است. پروتکل اول مستقیماً گردش اموال فرهنگی در زمان جنگ را با الزام هر کشور اشغالگر به جلوگیری از صدور چنین اموالی تنظیم می‌کند. اما در صورت صادرات قبلی، این پروتکل متصرف را موظف می‌کند که ملک را بازگرداند و در صورت وجود، غرامت عادلانه را به خریدار بپردازد. به‌طور قابل توجهی ثابت کرد که این بازگشت بدون قید و شرط است و هیچ مهلت زمانی مربوطه برای ارائه چنین ادعایی

ندارد. این اولین بار است که اصل استرداد اموال فرهنگی به طور رسمی در عرصه حقوقی بین‌المللی مطرح و به رسمیت شناخته شد. پروتکل دوم که در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسید، کنوانسیون را در تلاش برای مهار اعمال مجرمانه علیه اموال فرهنگی در پایان قرن بیستم به روز کرد. این توافقنامه ۱۹۵۴ را با رویکرد قوی‌تری که با تحولات اخیر در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حمایت از مالکیت ایجاد شده است، تکمیل می‌کند. فصل ۳، مواد ۱۰ تا ۱۴، "حفاظت تقویت‌شده از اموال فرهنگی که بیشترین اهمیت را برای بشریت دارد" را تعریف می‌کند و الزامات اعطا و لغو چنین حمایت‌های اضافی را شرح می‌دهد. این قطعات میراث حفاظت‌شده حفاظت‌های بیشتری را به دست می‌آورند زیرا این به‌روزرسانی در سال ۱۹۹۹ تحریم‌های ملموسی را تدوین می‌کند که برخلاف تعهدات ملت‌ها اعمال می‌شود. بر اساس اصول پیشگیری، استرداد و همکاری بین‌المللی، این قرارداد با بازار سیاه سرقت مصنوعات فرهنگی که در اروپا رشد کرده بود مبارزه کرد. برخلاف پیشینیان خود، این اولین کنوانسیون بین‌المللی بود که مستقیماً به هنر سرقت زده‌شده خارج از مرزهای سنتی جنگ می‌پرداخت. (Nadeau, 2023)

۵. نتیجه‌گیری

جرم سرقت از جمله جرایم مهم علیه اموال و مالکیت اشخاص است که از همان ابتدای پیدایش مفهوم آن مالکیت در میان جوامع بشری مبتلابوده و معمولاً مجازات سختی هم برای مرتکبین آن در جوامع قبایل و ادیان مختلف علی‌الخصوص دین اسلام پیش‌بینی شده است. جرم سرقتبه لحاظ وسیله، زمان و کیفیت ارتکاب به اقسام مختلفی قابل تقسیم است، که مهم‌ترین و خطرناک‌ترین آن جرم سرقت مسلحانه می‌باشد، استفاده از ابزاری به نام سلاح شرط اصلی برای وقوع جرم مزبور محسوب می‌شود. مالکیت یک اصطلاح کلی برای قوانین حاکم بر دسترسی و کنترل زمین و سایر منابع مادی است. از آنجا که این قواعد هم از نظر شکل کلی و هم از نظر کاربرد خاص آن‌ها مورد مناقشه است، در مورد توجیه مالکیت مباحث فلسفی جالبی وجود دارد. بحث‌های فلسفی مدرن بیشتر بر موضوع توجیه حقوق مالکیت خصوصی (در مقابل مالکیت مشترک یا جمعی) متمرکز است. فیلسوفان اغلب استدلال کرده‌اند که برای رشد اخلاقی فرد، یا برای ایجاد محیطی اجتماعی که در آن مردم می‌توانند به‌عنوان کارگزاران آزاد و مسئول پیشرفت کنند، ضروری است. مالکیت خصوصی به مالکیت اموال توسط اشخاص حقوقی یا اشخاص حقیقی غیردولتی اطلاق می‌شود. علی‌الحال سه نوع ترتیب مالکیت وجود دارد: مالکیت مشترک، مالکیت جمعی و مالکیت خصوصی. در یک سیستم مالکیت مشترک، منابع توسط قوانینی اداره می‌شوند که هدف آن‌ها در دسترس قرار دادن آن‌ها برای استفاده توسط همه یا هر یک از اعضای جامعه است. در یک جمع بندی می‌توان گفت به نظر می‌رسد در کلیت تفاوتی وجود ندارد صرفاً تفاوت‌ها در انواع

سرقت (قانون نه دکترین) مستتر است. در خصوص مروری بر جرم سرقت در نظام های حقوقی اسلامی و دیگر در قالب این نمودار چنین ترسیم نمود.



شکل ۱ - مروری بر جرم سرقت در نظام های حقوقی اسلامی و دیگر

منابع

- قرآن کریم

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

الف): منابع فارسی

- ایمانی، عباس (۱۳۸۴)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان، چ اول،

- آقایی میبیدی، حسین، و غلامی، علی. (۱۳۹۹). بررسی ملاکهای تعیین شدت سرقت‌های تعزیری بر اساس الگوی سرقت حدی (تحلیل فقهی ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی). فصلنامه پژوهش نامه حقوق کیفری، ۱۱(۱) (پیاپی ۲۱).

- جاوید مهر، مسیب، قاسمی، مسعود، وروایی، اکبر. (۱۴۰۰). کیفرگذاری مبتنی بر مصلحت در مجازات‌های تعزیری. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۴(۳)،

- حبیب زاده، محمدجعفر، و شاملو، باقر. (۱۳۸۱). سرقت مال مشاع. نامه مفید، ۸(۲۹) (حقوق)،
- حسین نژاد، سید مجتبی. (۱۴۰۱). تأملی در شرطیت «هتک حرز» در سرقت حدی (نقد ماده ۲۶۸ ق.م.ا.). فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴(۲۹)،
- حسینی، سیدمحمد دیگران (۱۳۹۴). سرقت مقرون به آزار در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان. مطالعات حقوقی، ۷(۳).
- قاسمی، مسعود، و علی پور، حمیدرضا. (۱۳۹۳). تأثیر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی بر وقوع سرقت از اماکن. پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۹(۴) (مسلسل ۳۶)،
- موسوی، سیدفضل اله، موسوی، سیدمهدی، و جدیدی، انیسه. (۱۳۹۰). چالش‌های کنونی حقوق بین الملل در مورد اعمال صلاحیت نسبت به دزدی دریایی. پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق) (حقوق و سیاست)، ۱۳(۳۲).
- زراعت، عباس (۱۳۸۷)، شرح قانون مجازات اسلامی بخش حدود، ج دوم.

ب): منابع عربی:

- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ه.ق)، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، ج چهارم، ج ۲.
- حرعاملی، محمد بن حسن (بی تا)، وسائل الشیعه، بیروت، تحصیل دار احیاء التراث العربی، ج ۱۸.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۰۷): تفسیر احسن الحدیث: تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر
- نجفی جواهری، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام .. شرائع الاسلام، ج ۴۱، بیروت: دارالاحیاءالتراث العربی.
- توفیق حمید (۲۰۱۸): هل 'حد السرقة' أمر إلهی أم مفهوم بشری؟: الوصول عبر الإنترنت: <https://www.alhurra.com/different-angle/2018/05/04->
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۰ ه.ش)، المنجد، ترجمه مصطفی رحیمی اردستانی، تهران، صبا، ج دوم، ج اول.
- آسترکی، راضیه، (۱۳۹۵)، سرقت، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، خرم آباد، <https://civilica.com/doc/667721>

ج): منابع لاتین:

- Author groups(2023): Criminology: Strain Theory and Broken Window Model Essay: Online access to the article: <https://ivypanda.com/essays/criminology-strain-theory-and-broken-window-model>

- Baron, J. (2019, January 25). Is Your Company's Strategy Aligned with Your Ownership Model? Harvard Business Review. <https://hbr.org/2019/01/is-your-companys-strategy-aligned-with-your-ownership-model>
- Charging. (2023, August 23). <https://www.justice.gov/usao/justice-101/charging>
- Commercial robbery | West Yorkshire Police. (January 2020). West Yorkshire Police. <https://www.westyorkshire.police.uk/advice/business-security/commercial-robbery>
- Copes, H., & Lavender, L. (2022). Property crime. The Blackwell Encyclopedia of Sociology, 1–2. <https://doi.org/10.1002/9781405165518.wbeosp108.pub3>
- Family Business. (2021, October 6). Do we have an ownership strategy? - Family Business. Family Business - IESE's Chair in Family-Owned Business. <https://blog.iese.edu/family-business/2021/do-we-have-an-ownership-strategy>
- Halper, M., Liu, J., Geller, J., & Perl, Y. (2007). Ownership as a conceptual modeling construct. Data and Knowledge Engineering, 62(2), 248–273. <https://doi.org/10.1016/j.datak.2006.07.011>
- Harvey, L. M., Grimshaw, P., & Pease, K. (2023). Crime prevention delivery: the work of crime prevention officers. In Routledge eBooks. <https://doi.org/10.4324/9781003358732-6>
- Js. (2022, October 21). The ownership advantage. Simple. <https://andsimple.co/insights/ownership-strategy-family-offices>
- Kronick, Lawrence., Capraroli, Eduardo. (2020). Systems and methods for preventing theft of valuables from protected compartments
- Libretexts. (2021, February 20). 7.4B: Strain Theory- How Social Values Produce Deviance. SocialSciLibreTexts. [https://socialsci.libretexts.org/Bookshelves/Sociology/Introduction_to_Sociology/Sociology_\(Boundless\)/07%3A_Deviance_Social_Control_and_Crime/7.04%3A_The_Functionalist_Perspective_on_Deviance/7.4B%3A_Strain_Theory_-_How_Social_Values_Produce_Deviance-](https://socialsci.libretexts.org/Bookshelves/Sociology/Introduction_to_Sociology/Sociology_(Boundless)/07%3A_Deviance_Social_Control_and_Crime/7.04%3A_The_Functionalist_Perspective_on_Deviance/7.4B%3A_Strain_Theory_-_How_Social_Values_Produce_Deviance-)
- Maizer, Chankseliani. (2012). Punishment and other penal measures. European Scientific Journal, ESJ, 8(2) doi: 10.19044/ESJ.2012.V8N2P%P
- Melyukhanova, E. E. (2023). Purpose and tasks of punishment. Vestnik Ūgorskogo Gosudarstvennogo Universiteta, 19(2), 77–82. <https://doi.org/10.18822/byusu20230277-82>
- Merton's Strain Theory: The Cause Of Crime - 1093 Words | Bartleby. (n.d.-b). https://www.bartleby.com/essay/Mertons-Strain-Theory-The-Cause-Of-Crime-FJNJLPKMG6#google_vignette

- Owens, D. (2022). Private property. In Oxford University Press eBooks (pp. 169-C7.P78). <https://doi.org/10.1093/oso/9780192896124.003.0007>
- PricewaterhouseCoopers. (n.d.). Ownership strategy. PwC. <https://www.pwc.fi/en/yourcompany/family-business/owner-strategy.html>
- Thaharah, A. N. (2023). Criminal sanctions for unauthorized transportation of protected animals: Perspective of the purpose of punishment. *Administrative and Environmental Law Review*, 4(2), 103–114. <https://doi.org/10.25041/aelr.v4i2.2980>
- The Editors of Encyclopaedia Britannica. (2023c ,October 18). Robbery | criminal law. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/robbery>
- Theft Prevention - Department of Public Safety. (2023 ,June 7). Department of Public Safety. <https://dps.usc.edu/safety-tips/theft-prevention>
- UNODC Crime Prevention. (n.d.). United Nations : Office on Drugs and Crime. <https://www.unodc.org/unodc/justice-and-prison-reform/cpcj-crimeprevention-home.html>
- Bernadette ,Atuahene. ,Bernadette ,Atuahene. (2010). Things Fall Apart: The Illegitimacy of Property Rights in the Context of Past Property Theft. Social Science Research Network
- Clarke ,R. V. , & Harris ,P. M. (1992). Auto theft and its prevention. *Crime and Justice* , 16. <https://doi.org/10.1086/449203>
- <https://www.cops.usdoj.gov/files/ric/Publications/e04062002.pdf>
- J Braithwaite(1980): Merton's Theory of Crime and Differential Class Symbols of Success: *CRIME ET/AND JUSTICE* Volume: 7-8 Issue: 2 Dated: (1979-80) , <https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/mertons-theory-crime-and-differential-class-symbols-success>
- Jānis, Ivančičs., Iğors, Trofimovs., Jānis, Teivāns-Treinovskis. (2019). Evaluations of security measures and impact of globalization on characteristics of particular property crimes. *Journal of Security and Sustainability Issues*, 8(4):569-579. doi: 10.9770/JSSI.2019.8.4(2)
- Kalish, C. W., & Anderson, C. D. (2011). Ownership as a social status. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 2011(132), 65–77. <https://doi.org/10.1002/cd.297>
- Kekes, J. (2023). Private property. In Oxford University Press eBooks (pp. 204-C9.P65). <https://doi.org/10.1093/oso/9780197668061.003.0009>

- Kirstie ,Amor ,V. ,Cruda. ,Novejoy ,C. ,Dellomes. John ,Alexander ,Matao. Joseph , Bruce ,Cubillo. (2023). Assessing Crime Prevention through Government Programs.. doi: 10.55529/jls.32.23.26
- Nadeau, E. E. C. (2023, April 28). Art theft and modern restitution in international law. SCBC. <https://www.scbc-law.org/post/art-theft-and-modern-restitution-in-international-law>
- Nguyen, Dang, Duy. (2020). Private Property and Protection of Private Property - The Foundation of A Sustainable Development Environment. 36(2) doi: 10.25073/2588-1167/VNULS.4277
- Nico, M., van, Straalen. (2022). Psychological Factors in Property Crimes: Theories, Traits, and Treatment. 283-311. doi: 10.1007/978-3-031-12930-8_13
- Piquero, N. L., Piquero, A. R., Gies, S. V., Green, B., Bobnis, A., & Velásquez, E. (2022). Preventing Identity Theft: Perspectives on Technological Solutions from Industry Insiders. In Routledge eBooks (pp. 163–182). <https://doi.org/10.4324/9781003258100-9>
- Scott, R. (2009). Intentional wrongs. In Elsevier eBooks. <https://doi.org/10.1016/b978-032303668-9.50009-5>
- Ted, R., Miller., Mark, A., Cohen., Mark, A., Cohen., David, I., Swedler., Bina, Ali., Delia, Hendrie. (2020). Incidence and Costs of Personal and Property Crimes in the United States, 2017. Social Science Research Network. doi: 10.2139/SSRN.3514296
- The Crime of Theft Through the Marxism Theory and Merton’s Strain Theory: [Essay Example] .1368 words. (2021 ,April 20). GradesFixer. <https://gradesfixer.com/free-essay-examples/the-crime-of-theft-through-the-marxism-theory-and-mertons-strain-theory>
- The policy of criminalization and punishment within the scope of the work of commercial companies. (2022). Journal of Law, Policy and Globalization. <https://doi.org/10.7176/jlpg/121-10>
- Theft Act (1968): <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1968/60/crossheading/theft-robbery-burglary-etc>
- Theft crimes defined by law. (2023, October 15). Justia. <https://www.justia.com/criminal/offenses/theft-crimes>
- Theft. (2021). LII / Legal Information Institute. <https://www.law.cornell.edu/wex/theft>

-Vira. Tymoshenko. (2022). The doctrine of the purpose of criminal punishment in modern European political and legal thought. Naukovij visnik Užgorods'kogo nacional'nogo universitetu. 64-69. doi: 10.24144/2307-3322.2022.70.10

-Vladimir. Ilyich. Tyunin., Anton. Gennadievich. Antonov., Tatyana. Andreevna. Ogar., Maria. Vitalievna. Shkele., Elena. Andreevna. Zorina. (2021). Cyber crimes against property in foreign and Russian criminal law. 108:02021-. doi: 10.1051/SHSCONF/202110802021

